

حوادث۱۹

تلنگر

حمله‌راننده‌عصبانی به پلیس

راننده متخلف بنز، زمانی که مقابل پلیس قرار گرفت با چاقو به سمت مامور جوان حمله ور شد و او را زخمی کرد.

به گزارش جام جم، ساعت ۱۷ نوزدهم بهمن امسال در محدوده امین‌الملک، ماموران راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ در حال روان‌سازی ترافیک بودند و ستوان سوم و وظیفه محمد سرآبادانی قصد جرمیه یک خودروی سواری بنز را داشت که راننده با فحاشی مامور را با چاقو تهدید کرد و با حمله به مامور راهور او را از ناحیه صورت و لب زخمی کرد.
در ادامه با اقدام کارمند راهور، راننده خودرو خلع سلاح و تحویل کلانتری ۱۴۹ شد.

انتقال عروس ۱۱ ساله

به‌بهزیستی

بادستور دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان ایلام، دختر ۱۱ساله که با مردی ۵۰ساله ازدواج کرده بود، تحویل بهزیستی شد.

به گزارش میزان، پس از انتشار خبری مبنی بر ازدواج یک دختر ۱۱ساله با مردی حدوداً ۵۰ساله در ایلام، دادستانی مرکز این استان به موضوع ورود کرد و با تکلیف به بهزیستی، خواستار حل این موضوع شد.
پس از پیگیری‌های مقام قضایی و بادستور خسروی‌زا، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان ایلام، رهای ۱۱ساله به بهزیستی تحویل داده شد.
حکم جلب برای مرد حدودا ۵۰ساله که رها را به ازدواج خود درآورده بود، مطابق ماده۵۰قانون حمایت خانواده صادر شد.

مرگ خاموش ۵کارتن خواب

پنج کارتن خواب براثر گازگرفتگی در چادر مسافرتی در شهرستان فردیس فوت کردند.
این پنج کارتن خواب در یک به گزارش تسنیم، پنج کارتن خواب برای گرم کردن چادر در مشکین‌دشت فردیس برای گرم کردن از زغال استفاده می‌کردند که براثر استنشاق گاز مونوکسیدکربن دچار گازگرفتگی شدند.

قتل مادرودختر برای سرقت

دو متهم تقابند که با انگیزه سرقت وارد خانه روستایی در شهرستان املش شده و بعد از قتل مادرودختر متواری شده بودند، بازداشت شدند.
به گزارش جام‌جم، شامگاه نوزدهم بهمن امسال مردی که برای سرکشی به خانه مادرش در روستای «کهنه گوراب» شهرستان املش رفته بود با جسد مادر و خواهرش روبه رو شد و مرگ آنها را به پلیس خبر داد. ماموران برای بررسی ماجرا در خانه روستایی حاضر شدند.

زن ۷۰ساله و دختر ۳۱ساله‌اش برائز ضربه‌های چاقو از پای درآمده بودند. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد که یک میلیون تومان پول و طای مقتولان سرقت شده است. ماموران به اطلاعاتی دست یافتندکه نشان می‌داد دو مرد که یکی از آنها سابقه دار است و به‌تازگی از زندان آزاد شده و سابقه درگیری با ماموران را هم دارد و نیز در همان روستا زندگی می‌کند، شب جانیات اطراف خانه مقتولان دیده شده‌اند. آنها به عنوان تنها مظنون در این دو قتل تحت تعقیب پلیس قرار گرفتندو سرانجام دو روز پیش آخرین مخفیگاه آنها شناسایی و در مرد ۳۴ و ۲۴ساله بازداشت شدند.

جزئیات گاز گرفتگی

۷ دختر و پسر در ویلای سربندان

هفت دختر و پسر که برای تعطیلات به روستایی در موانند رفته بودند بر اثر گازگرفتگی جان باختند.

به گزارش جام‌جم، روز جمعه گازگرفتگی در ویلایی در روستای سربندان دماوند به اورژانس اطلاع داده شد. بلافاصله امدادگران اورژانس در محل حاضر شده و با جسد هفت دختر و پسر که بر اثر گازگرفتگی جان باخته بودند رو به رو شدند.

عبدالرحمن رزمگه، رئیس اورژانس دماوند در این باره گفت: در این حادثه سه مرد و چهار زن جان باختند.

یکی از اهالی روستا هم به جام‌جم گفت: در زمان حادثه ۹ نفر در ویلا بودند که هفت نفر در طبقه پایین و دو نفر دیگر در طبقه بالا بودند. در طبقه پایین از بخاری گازی بدون دودکش استفاده کرده بودند که تجمع گاز باعث گازگرفتگی شد.
دو نفری که بالا بودند بعد از بیدار شدن با این صحنه روبه‌رو شده و با اورژانس تماس گرفتند. آن‌طور که می‌گویند، این افراد که جوان بودند از تهران به این ویلا آمده بودند. این چندمین حادثه در ماه‌های اخیر در این منطقه است. متأسفانه افراد برای اقامت کوتاه‌مدت خود در ویلاها، مسائل ایمنی را رعایت نمی‌کنند.



می‌کرده است. روز گذشته زمانی که به دیدن دوستانش رفته و همه در یک مهمانی بودند، ناگهان کلاه‌گیس از سرش افتاده و همه حاضران متوجه کچل بودن او شده و وی را مورد تمسخر قرار داده‌اند. همین باعث شده دختر جوان ناراحت شده و بعد از ترك دوستانش و بازگشت به خانه با خوردن صد عدد قرص به زندگی‌اش پایان دهد.

پلیسی درباره مرگ او آغاز و معلوم شد این دختر جوان بعد از خوردن صد عدد قرص دچار مسمومیت شده و به زندگی‌اش پایان داده است. در تحقیقات بعدی مشخص شد او مدتی قبل بیمار شده و به دلیل بیماری‌اش موهای سرش ریخته و در این مدت برای این‌که دوستان و اقوام متوجه ماجرا نشوند، کلاه‌گیس گذاشته و از آن استفاده

«باران» نفس من شده بود



فریبکاروی را ربوده، هیچ‌وقت قبول نمی‌کردم. کودک را بخرم.»

چرا ز بهزیستی فرزندخواستی؟

دخترم به نام نفس که مرد، افسرده شدم و بعد از درمان به بهزیستی رفتم و برای سرپرستی دختر بچه پرونده تشکیل دادم اما باید دو سال در نوبت می‌ماندم. از هر خبریه و افرادی که خانواده‌های بد سرپرست و فقیر را می‌شناختمند سر و جو کردم، شماره تلفنم را دادم تا برایم دختری برای نگهداری پیدا کنند. سال گذشته که در کمرانشاه رزله آمد برای کمک‌رسانی رفتم. به روستاها و بیمارستان‌ها سر زدم و شماراهام را به خیرین دادم تا اگر دختری یافتند که والدینش فوت شده بودند، تلفنی بگویند تا ببایم و او را رزنم خودم ببرم.

بعد چه شد؟

چند ماه پیش با مرد دستفروشی مقابل بیمارستان آشنا شدم بعد از اطلاع از مشکل گفت افراد معتادی را در جنوب تهران و محله مرتضی‌گرد می‌شناسد که کودکشان را نمی‌خواهند. با هم چند بار رفتیم که دختر از آنجا بیاوریم که نشد.

از آشنایی با زن کودک‌ربا بگو.

دو ماه پیش با او که دستمال فروش بود آشنا شدم. اول می‌خواست دختر گفروشی را به من بدهد که خانواده‌اش قبول نکردند. او تلفنی با من در ارتباط بود. آخرش هم گفت دختر سه‌ساله‌ای را یافته که مادرش فوت شده و پدرش معتاد و در زندان است و مادر بزرگش توانایی نگهداری از او را ندارد. ۲۵۰ هزار تومان به او پول دادم. روز چهارم بهمن به من زنگ زد و گفت با مادر بزرگ کودک توافق کرده و شبیه دوباره زنگ زد و من بعد از ظهر به محله مولوی رفتم. فردا مولوی بومد که زنگ زد و خواست میدان خراسان بروم. ۳۰ هزار تومان به بیک موتوروی دادم و مرا آنجا برد. نزدیک قنادی دختر را تحویلدم داد و ۸۰۰ هزار تومان گرفت و من و بچه به خانه‌ام رفتم. خانواده‌ام با دیدن او شوکه شده و گفتند و او را برگردانم اما شیرین‌زبانی کودک نگذاشت او را پس دهم. نام دختر فوت شده‌ام را روی او گذاشتم.

جام‌جم گفت: بعد از ربودن دخترم روزگaram سیاه شده بود. من یک کارگر ساده کشتارگاه هستم و در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی می‌کنم. حاضر بودم همه زندگی‌ام را بدهم تا دوباره دخترم را ببینم. افسران اداره آگاهی خیلی به من دلگرمی می‌دادند.

وی با تشرک از گروه حوادث روزنامه جام‌جم



فاطمه زهرا به جام‌جم گفت: بعد از ناپدید

شدن دخترم همه جا را جست‌وجو کردیم. به ما گفتند او را در میدان ولیعصر و خیابان کوکا کولا دیده‌اند. به خیابان کوکا کولا که رفتم به ما گفتند مردی او را کنار عابرانک در آغوش گرفته بود و کدایی می‌کرد. بعد از آن روز در خانه بودیم که فامیل‌هایمان بچه را پیدا کردند و به خانه آوردند. مرد کودک‌ربا او را در نزدیکی خانه رها کرده بود.

پسرخوانده تنها مظنون قتل مرد تنها

همزمان با کشف جسد دست و پا بسته مردی تنها در خانه‌اش در شمال تهران، پسرخوانده او به عنوان تنها مظنون این جنایت بازداشت شد.
به گزارش جام‌جم، ساعت یک و ۵ دقیقه باسداد نوزدهم بهمن امسال یکی از ماموران کلانتری شهرک قدس در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جایی تهران او را در جریان قتل مرد ۶۸ساله‌ای در خانه‌اش در محله سعادت‌آباد قرار داد. بررسی‌های اولیه تیم جنایی در این خانه نشان داد وسایل خانه به‌هم ریخته بود و جسد مرد ۶۸ساله در کناری افتاده و به نظر می‌رسید بر اثر خفگی به قتل رسیده باشد.
پسر مقتول در تحقیقات گفت: ۲۰سال قبل مادرم فوت کرد و بعد از چند سال پدرم با زن دیگری ازدواج کرد، اما بعد از مدتی این زن هم فوت شد. سرانجام پدرم به خاطر این‌که تنها بود با زن دیگری ازدواج کرد که پسری

قاتل ابوالفضل در یک قدمی جوبه‌دار

گشود. علی‌گفت: چون سال‌ها پیش وقتی هم سن و سال ابوالفضل بودم در پارک رازی مورد آزار قرار گرفتم و زندگی‌ام تباه شد، تصمیم گرفتم ابوالفضل را یک‌شم تا سرنوشت تلخی مانند من نداشته باشد.
در حالی که سلامت روانی این متهم از سوی کمیسیون پزشکی قانونی تأیید شده بود وی در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. در آن جلسه پدر و مادر ابوالفضل برای قاتل پسرشان حکم قصاص در ملاعام درخواست کردند.
سپس علی روبه‌روی قضات ایستاد و اتهام قتل عمدی را گردن گرفت. در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و علی را به اعدام در ملاعام محکوم کرد.

پشت پرده ربودن باران و فاطمه زهرا چه بود؟

پایانی خوش برای ۲ ماجرای کودک‌ربایی

دو دختر بچه که در تهران ربوده شده بودند در آخرین روز هفته گذشته به آغوش خانواده بازگشتند. باران، دختر سه ساله افغان از سوی زنی ربوده شده بود که با دستگیری زن کودک‌ربا به خانه بازگشت. دومین کودک فاطمه زهرا بود. او در حالی پیدا شد که ردی از رباینده او به دست نیامده است.

به گزارش جام‌جم، تحقیقات برای پیدا کردن باران سه ساله از روز شنبه، ششم بهمن با شکایت زوج افغان در اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران آغاز شد. پدر باران به ماموران گفت: چند روز قبل زنی در خانه‌مان حوالی میدان شوش آمد و خودش را فردی خیر معرفی کرد و مدعی شد قصد کمک دارد. چند روز بعد دوباره آمد و این بار خواست برای باران خرید کند. او همراه باران و همسرم به میدان خراسان رفتند. آنجا برای باران از دستفروشا

گدایی با دختر ربوده‌شده

دومین پرونده کودک‌ربایی مربوط به دختر بچه یک و نیم ساله به نام فاطمه زهرا بود که دو روز بعد از ناپدید شدنش پیدا شد. شامگاه سه شنبه مرد جوانی هراسان با مراجعه به پلیس از ناپدید شدن دختر یک و نیم ساله‌اش خبر داد. این مرد به ماموران گفت: خانه مادر زنم در محله

متهم به قتل فراری در تهران بازداشت شد

دعوی مرگبار ۲ ایرانی در تورنتو

پسر آرایشگر که بعد از دعوی مرگبار با هموطن ایرانی‌اش در منطقه یونگ تورنتوی کانادا به ایران بازگشته بود، بازداشت شد.

به گزارش جام‌جم، چندی پیش اعضای خانواده مرد جوانی با حضور در دادسرای جنایی تهران با طرح شکایتی عنوان کردند، پسرشان که در تورنتوی کانادا زندگی می‌کرده در جریان دعوی میان چند ایرانی با ضربه چاقو در آنجا کشته شده است. تحقیقات اولیه ماموران حاکی از این بود که دعوا میان چند ایرانی در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۸ در یکی از پارکینگ‌های منطقه یونگ در تورنتوی کانادا رخ داده و قاتل که پسر ایرانی ۲۵ساله بوده متواری شده است. ماموران از طریق پلیس بین‌الملل به تحقیقات ادامه دادند که معلوم شد دو روز بعد از این جنایت، متهم همراه مادرش به ایران بازگشته اما نشانی از آنها وجود ندارد. در ادامه تحقیقات رد آنها در خانه‌ای در اندیشه کرج به دست آمد و هفدهم بهمن امسال عامل جنایت آنجا بازداشت شد.
پسر ۲۵ساله در بازجویی‌ها گفت: سال ۱۴۰۰میلادی با مادرم قانونی به کانادا آمدیم. پنج سالی بود در شهر ریچموند هیل به آرایشگری مشغول بودم. اوایل شهریور امسال با مادرم برای خرید غذا به رستوران ایرانی در تورن هیل رفتم. در یکی از پارکینگ‌های منطقه یونگ پارک کردم و مادرم وارد رستوران شد اما آنجا غذای مورد نظر را نداشت و همین که خواست به رستوران بعدی برود چند ایرانی مزاحمش شدند.

متهم به قتل ادامه داد: از پارکینگ بیرون آمدم و برای دفاع از مادرم با آنها دعوایم شد. مرا مورد ضرب و شتم قرار دادند که برای دفاع از خودم و مادرم چند مشت به آنها زدم که یکی از آنها مقتول بود که ضربه مشتتم به او خورد و در ادامه مردم ما را جدا کردند. آنها مدام به مادرم فحش می‌دادند که باعث تشدید دعوایمان شد. دو روز بعد از آن ما جابرا به ایران بازگشتیم. زمانی که بازداشت شدم پی بردم آن جوان ایرانی کشته شده است. من فقط به او ضربه مشت زدم و نمی‌دانم چه کسی در آن دعوا به او چاقو زده است.

با توجه به انکار متهم به قتل، تحقیقات از او در پلیس آگاهی ادامه دارد.